

نگاهی به صورت و محتوای آثار مصطفی ملکیان

وضوح و تمایز

محسن آزموده

وضوح و تمایز دو ویژگی اصلی آثار مصطفی ملکیان است. آشنایان با فلسفه می‌دانند که رنه دکارت، متفکر قرن هفدهمی فرانسوی و از بنیانگذاران فلسفه مدرن، این دو ویژگی یعنی «وضوح» (Clearness) و «تمایز» (Distinctness) را مهم‌ترین ملاک‌های حقیقت می‌خواند. درباره اینکه منظور از وضوح و تمایز نزد دکارت چیست، بحث فراوان است. ما در اینجا کاری با معنای موردنظر دکارت و بحث‌های پیرامون آن نداریم و مراد ما از این دو ویژگی معنای سراسر است و آشنای آنهاست. وضوح و آشکارگی و صراحت آثار مصطفی ملکیان به معنای آن است که معنا یا معناهای بی‌واسطه آنها به سادگی و بدون زحمت قابل فهم است، طوری که در اکثر مواقع حتی ناآشنایان با آثار فلسفی هم با دقت در آنچه او می‌گوید یا می‌نویسد، منظور و معنای نوشته‌ها و گفته‌های او در می‌یابند. ملکیان، به ویژه در گفتارهایش، غیر از بیان سراسر و روان، برای روشن‌تر شدن بحث مثال‌ها و نمونه‌های فراوانی ارائه می‌کند، طوری که بعضا برخی متخصصین از کثرت این مثال‌ها خسته می‌شوند. اما واقعیت آن است که این نمونه‌ها باعث می‌شود که ابهامی برای مخاطب پدید نیاید و او به راحتی مراد و منظور نویسنده یا گوینده را دریابد. او در گفته‌ها و نوشته‌هایش به تدریج از ساده‌ترین و بسیط‌ترین و روشن‌ترین مفاهیم و ایده‌ها آغاز کرده و به تدریج به سطوح پیچیده‌تر و مرکب‌تر نزدیک می‌شود، به گونه‌ای که اگر مخاطب با دقت مسیری را که او گشوده، دنبال کند، دچار گمگشتگی و سردرگمی نمی‌شود.

این سخن به هیچ وجه به آن معنا نیست که آثار ملکیان تاویل‌پذیر نیستند یا پرسشی در ذهن ایجاد نمی‌کنند. قطعاً نوشتارها و گفتارهای او را مثل هر نوشتار و گفتار دیگری می‌توان به شیوه‌های مختلف خواند و شنید و برداشتهای متفاوت از آنها ارائه کرد، همچنانکه می‌توان آنها را در معرض سوال‌های مختلفی قرار داد. ادعای این یادداشت آن است که خود نویسنده یا گوینده، بیشترین تلاش (تا سرحد

امکان) را کرده تا اولین معناهایی که به ذهن مخاطب خطور می‌کند، مطابق یا نزدیک به معنای مورد نظر خود او باشد و اصلا سعی نکرده او را سردرگم کند. برای فهم ویژگی وضوح در آثار ملکیان می‌توان آنها را با نوشته‌ها و گفته‌های دیگر روشنفکران ایرانی مقایسه کرد.

اما دومین ویژگی نوشتارها و گفتارهای مصطفی ملکیان، تمایزگذاری و تقسیم‌ها و تفکیک‌های دقیق و مفصل آنهاست. دسته‌بندی‌های ملکیان در بحث‌های مختلف اعم از مباحث فلسفی و روان‌شناختی و کلامی، برای همه مخاطبان آثار او امری آشناست.

ملکیان همیشه در ارائه یک مطلب پیرامون یک موضوع اخلاقی یا فلسفی یا کلامی یا... جغرافیای بحث را روشن کرده و شاخه‌ها و زیرشاخه‌های مختلف را بیان می‌کند. این کار مانع از خلط مبحث و آشفتگی موضوع شده و سبب می‌شود که مخاطب به خوبی جایگاه و موقعیت موضوع را دریابد و به زبان ساده، متوجه شود که بحث درباره چیست، پیشینه و جایگاه آن کجاست و تمایزش با موضوعات مشابه در چیست.

این تمایزگذاری‌ها و دسته‌بندی‌ها در گفتارها و نوشتارهای ملکیان گاه چنان است که آنها که از ابتدا نوشتار یا گفتار را آغاز نکرده‌اند، دچار سردرگمی می‌شوند تا جایی که برخی این تقسیم‌بندی‌ها را زیاده از حد و افراطی می‌دانند، اما واقعیت آن است که چنانکه در بخش اول یادداشت حاضر هم تاکید شد، اگر مخاطب از ابتدای بحث با نویسنده یا گوینده پیش برود، هرگز دچار آشفتگی نمی‌شود و اتفاقا این دسته‌بندی موجب می‌شود که دچار بدفهمی یا سوء تفاهم نشود و دقیقا دریابد که نویسنده یا گوینده از چه چیزی بحث می‌کنند و از چه چیزی بحث نمی‌کنند.

نکته جالب توجه در آثار ملکیان آن است که او این روش تحلیلی را در زمینه موضوعاتی به کار می‌بندد که معمولا در فلسفه و علوم انسانی، راجع به آنها چنین دقت‌های مفهومی صورت نمی‌گیرد. یعنی به تعبیر دقیق خودش و برخی مفسران آثارش، درباره موضوعاتی وجودی و اگزیستانسیال که عموما در فلسفه قاره‌ای مورد بحث قرار می‌گیرند، از روش‌های مرسوم در فلسفه «تحلیلی» بهره می‌گیرد. به دیگر سخن ملکیان درباره موضوعاتی چون تنهایی، عشق، مرگ، دوستی، سعادت یا شادکامی، شفقت، امید و... چنان بحث می‌کند که گویی فیلسوفی تحلیلی مثلا درباره انواع قضایا یا محمول‌هاست. البته او نیز نوشته‌ها و گفته‌های زیادی درباره موضوعات تخصصی هم در فلسفه، هم در فلسفه اخلاق و هم در کلام دارد، اما نکته مهم آن است که درباره موضوعات اگزیستانسیال نیز از همین شیوه بهره می‌گیرد و دقت مفهومی و شیوه تحلیلی خود را کنار نمی‌گذارد. این شیوه سبب می‌شود که خواننده

نوشتار یا شنونده گفتار او، در انتهای هر بحث، به خوبی مدعای او، جغرافیای موضوع، استدلال و شیوه استدلال او و نتیجه‌گیری بحث را بدانند، خواه با آنها موافق باشد یا نه.

وضوح و تمایز نوشتارها و گفتارهای مصطفی ملکیان همچنین سبب شده که آثارش طیف وسیع و گسترده‌ای از مخاطبان را دربر بگیرد. خوانندگان نوشته‌ها و شنوندگان گفته‌های ملکیان، از مواجهه با آثارش پشیمان نمی‌شوند، دچار سردرگمی و ابهام نمی‌شوند و دست خالی بر نمی‌گردند. آنها نه فقط مخاطب با (دست‌کم یکی) از زیر و بم‌های موضوع مورد بحث آشنا می‌شوند، بلکه با دقت بیشتر از روش واضح و متمایز او در بحث کردن نیز می‌آموزند.

منبع: روزنامه اعتماد 1 اردیبهشت 1403 □□□□□□